

پیش بینی تنظیم هیجانی افراد دارای رگه های اختلال شخصیت خوشه B براساس سبک های دلبستگی و عملکرد تاملی

Predicting the emotional regulation of people with cluster B personality disorder traits based on attachment styles and reflective functioning

Samira Esprooz

Master's degree, Clinical psychology, central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Omid Rezaei*

Associate professor MD, Fellowship of Psychosomatic Medicine, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran.

Dr_omid_rezaee@yahoo.com

سمیرا اسپروز

کارشناس ارشد، روان شناسی بالینی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

امید رضائی (نویسنده مسئول)

دانشیار، فلوشیپ طب روان تنی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران.

Abstract

The present study was conducted with the aim of Predicting the emotional regulation of people with cluster B personality disorder traits based on attachment styles and reflective functioning. The research method was a descriptive correlation. The statistical population included the students of Islamic Azad University, Central Tehran branch in the academic year 2021-2022. The sample size was 120 people who were selected by purposive sampling method. The research tools included the adult attachment inventory (AAI) Simpson (1990), Millon clinical multiaxial inventory (MCMI-III) Millon (1994), the reflective functioning questionnaire (RFQ) Fonagy et al. (2016) and the Emotion Regulation Questionnaire (ERQ) Gross and John (2003). The results of the regression test using the enter method showed that among the research variables, uncertainty ($P=0.03$ and $\beta=-0.23$), secure attachment style ($P=0.002$ and $\beta=0.27$), and avoidant ($P=0.002$ and $\beta=-0.31$) are predictors of emotion regulation. Also, the results showed that the predictor variables are able to predict 0.19 of the variance of the emotion regulation variable in people with traits of cluster B personality disorder. The result of the present study shows that paying attention to attachment styles and reflective performance by psychologists can help to explain emotional regulation in people with traits of cluster B personality disorder.

Keywords: emotional regulation, traits of cluster B personality disorder, attachment style, reflective functioning.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی تنظیم هیجانی افراد دارای رگه های اختلال شخصیت خوشه B براساس سبک های دلبستگی و عملکرد تاملی صورت گرفت. روش پژوهش توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بود. حجم نمونه ۱۲۰ نفر بود که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه سبک های دلبستگی (AAI) سیمپسون (۱۹۹۰)، پرسشنامه چندمحوری بالینی میلون (MCM-III) میلون (۱۹۹۴)، پرسشنامه عملکرد تاملی (RFQ) فونایگی و همکاران (۲۰۱۶) و پرسشنامه تنظیم هیجان (ERQ) گروس و جان (۲۰۰۳) بود. نتایج آزمون رگرسیون به روش ورود همزمان نشان داد که از میان متغیرهای پژوهش، عدم قطعیت ($P=0.03$ و $\beta=-0.23$)، سبک دلبستگی ایمن ($P=0.002$ و $\beta=0.27$) و اجتنابی ($P=0.002$ و $\beta=-0.31$) پیش بینی کننده تنظیم هیجان بودند. همچنین نتایج نشان داد که متغیرهای پیش بین قادر به پیش بینی ۰/۱۹ از واریانس متغیر تنظیم هیجان در افراد دارای رگه های اختلال شخصیت خوشه B بودند. نتیجه پژوهش حاضر نشان می دهد که توجه به سبک های دلبستگی و عملکرد تاملی توسط روان شناسان می تواند به تبیین تنظیم هیجانی در افراد دارای رگه های اختلال شخصیت خوشه B کمک نماید.

واژه های کلیدی: تنظیم هیجانی، رگه های اختلال شخصیت خوشه B، سبک دلبستگی، عملکرد تاملی.

شخصیت^۱ مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری تثبیت شده است که به موجب آن فرد با پیرامون خود ارتباط برقرار می‌کند و آن را درک می‌کند. اختلال در شخصیت، زمانی ایجاد می‌شود که فرد الگوی انعطاف ناپذیر و ناسازگاری از تفکر و رفتار را ایجاد کند، که به طور قابل توجهی عملکرد اجتماعی یا شغلی را مختل می‌کند (میشل^۲، ۲۰۱۳). مجموعه معیارهای تشخیصی برای اختلالات شخصیت با ۱۰ اختلال در سه خوشه توصیفی سازمان یافته است و خوشه B این اختلال‌ها شامل اختلالات شخصیت ضد اجتماعی، مرزی، نمایشی و خودشیفته می‌شود (انجمن روانپزشکی آمریکا^۳، ۲۰۱۳). به عبارتی دیگر تحریک‌پذیری، نامنظم و ناپایدار بودن و همچنین عدم آداب‌های مطابق با واقعیت از جمله مشخصه‌های اختلال‌های خوشه B هستند (گرنیر^۴، ۲۰۱۸). مطالعات گذشته نرخ شیوع رگه‌های اختلال شخصیت خوشه B تقریباً ۱۰ الی ۱۵ درصد نشان می‌دهد (بلیدورن^۵ و همکاران، ۲۰۱۹). در یک مطالعه نشان داده شد که شایع‌ترین اختلال شخصیت در مراجعان به کلینیک‌های روان‌پزشکی در ایران، اختلال‌های شخصیت خوشه B، به ویژه شخصیت نمایشی است (فرونش و همکاران، ۱۳۹۵). در باب علت‌شناسی اختلال‌های شخصیت خوشه B به نظر می‌رسد که مشکلات در تنظیم هیجان از جهت برانگیختگی، پردازش و معناسازی، نقص‌های رایج این اختلال‌ها است (کرامر و تیمولاک^۶، ۲۰۲۲). مشکل در تنظیم هیجان برای افراد با اختلال شخصیت خوشه B شامل فقدان آگاهی، تحمل هیجانی و تنظیم ناسازگار هیجان‌ها بوده که منجر به رفتار آشفته می‌گردد (کارپنتر و ترول^۷، ۲۰۱۳). به طور خاص، ناتوانی در تنظیم هیجان یکی از مشخصه‌های بارز افراد با شخصیت گروه B در مقایسه با افراد عادی و برخی از اختلال‌های شخصیت است (نویل^۸ و همکاران، ۲۰۲۱). تجربه هیجان‌های شدید، ناپایدار و تکانشی جنبه مشترک رگه‌های شخصیت خوشه B می‌باشند (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). برای مثال نشان داده شده که دشواری تنظیم هیجان در شخصیت مرزی پیش‌بینی کننده نشانه‌های مشکلات بین‌فردی است (اولر^۹ و همکاران، ۲۰۲۱).

رگه‌های شخصیتی خوشه B در طول عمر در پاسخ به تغییرات محیطی و مداخلات هدفمند تغییر می‌کنند (بلیدورن و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین مطالعه متغیرهای مرتبط و تبیین کننده ناتوانی‌های رگه‌های اختلال شخصیت می‌تواند به فهم و درک این تغییرات کمک نماید (بلیدورن^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۱). با توجه به نقش معنادار تنظیم هیجان در توضیح رگه‌های اختلال‌های شخصیت، توجه‌ها به سمت درک متغیرهای مرتبط با تنظیم هیجانی در رگه‌های اختلال شخصیت جلب شده است (گاروفالو^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۸). در افراد با اختلال های خوشه B، تنظیم هیجان توسط کیفیت روابط اولیه قابل تبیین است (طباطبایی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸). دلبستگی سیستم اصلی انگیزش است که بر اساس کیفیت تجارب اولیه توسط بالبی^{۱۲} (۱۹۶۹، میکولینسر و شاور^{۱۳}، ۲۰۱۹) معرفی شده است که رفتارهای نزدیکی طلبی، مجاورت و درخواست مراقبت شدن و مراقبت کردن را سازمان می‌دهد. مراقبین عمدتاً حساس/ پاسخگو منجر به دلبستگی ایمن می‌شود. زمانی که منابع دلبستگی به طور قابل اعتماد حساس و پاسخگو نباشند، ممکن است دلبستگی ناپایمان ایجاد شود که با نگرش‌های منفی به نزدیکی عاطفی و روانی به دیگران همراه می‌گردد. دلبستگی اجتنابی میزان بی‌اعتمادی فرد در رابطه با قصد و منظور دیگران و تلاش تدافعی برای حفظ استقلال رفتاری و عاطفی را منعکس می‌کند. دلبستگی اضطرابی نیز میزان نگرانی فرد از عدم حمایت دیگران را نشان می‌دهد (چرنایک^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۱). میکولینسر و شاور (۲۰۱۶) نشان دادند افرادی که از نظر دلبستگی ایمن تر هستند، نسبت به زندگی نگرش خوشبینانه دارند و ارزیابی‌های فاجعه‌بار کمتری از تهدیدها دارند. آنها همچنین به توانایی خود در مقابله با تهدیدها و چالش‌ها اطمینان بیشتری را نشان می‌دهند و تمایل دارند از استراتژی‌های تنظیم هیجانی مؤثر (مانند ارزیابی مجدد، جستجوی حمایت)

1 Personality

2 Mischel

3 Association American Psychiatric

4 Grenyer

5 Bleidorn

6 Kramer & Timulak

7 Carpenter & Trull

8 Newhill

9 Euler

10 Bleidorn

11 Garofalo

12 Bowlby

13 Mikulincer & Shaver

14 Cherniak

استفاده کنند. در مقابل، افراد با دلبستگی نایمن، فعال سازی سرکوب مکرر هیجان‌های منفی و اتکای مداوم به بازنمایی ذهنی تحریف شده از خود و دیگران را تشویق می‌کند. اگرچه این خلا وجود دارد که رابطه میان دلبستگی و تنظیم هیجان در افراد با رگه‌های اختلال شخصیت خوشه B مورد بررسی قرار نگرفته است، با این حال نتایج پژوهش‌های امیری و جمالی (۱۳۹۸)، سهرابیان و همکاران (۱۳۹۹)، رید^۱ و همکاران (۲۰۱۸)، گوزمن – گونزالز^۲ و همکاران (۲۰۱۶)، براندنو^۳ و همکاران (۲۰۲۰) و لوسزوک^۴ و همکاران (۲۰۲۱) بیانگر این بوده است که دلبستگی با تنظیم هیجان در جمعیت‌های دیگر، به ویژه زوجین رابطه معناداری دارد.

همچنین متاثر از کیفیت روابط اولیه، به ویژه رابطه کودک با مراقبین، عملکرد تاملی^۵ که همان تعریف عملیاتی ذهنی سازی است می‌تواند در درک هیجان‌های خود و دیگران نقش داشته باشد (کوالینا^۶ و همکاران، ۲۰۱۵). عملکرد تاملی یک توانایی ضروری برای فهم رفتار با توجه به وضعیت روانی و مقاصد است و از طرفی نشانه آشکار توانایی ذهنی سازی فرد است (بادود^۷ و همکاران، ۲۰۱۸). توانایی در تنظیم هیجان‌ها به شکل منعطف و کارآمد در روابط متقابل نیز نقش دارد (ویسمارا^۸ و همکاران، ۲۰۲۱) و به نظر می‌رسد که فقدان عملکرد تاملی به شدت با آسیب‌پذیری در عملکرد شخصیت، به ویژه در بیماران مبتلا به اختلالات شخصیتی خوشه‌ای B مرتبط است (نظرو^۹ و همکاران، ۲۰۱۷). عملکرد تاملی به عنوان توانایی کشف ادراک ذهنی و درونی خود و دیگران می‌تواند به واسطه افزایش آگاهی و ادراک هیجان‌ها منجر به بهبود تنظیم هیجانی شود (کوالینا و همکاران، ۲۰۱۵). اگرچه به طور مستقیم رابطه میان عملکرد تاملی با تنظیم هیجان در شخصیت خوشه B به صورت مستقیم مورد بررسی قرار نگرفته است، با این حال به صورت محدود نشان داده شده که کاهش عملکرد تاملی با توجه به اینکه همراه با افزایش بی‌نظمی هیجانی و تکانشگری است، می‌تواند تبیین کننده مشکلات بین‌فردی در افراد با اختلال شخصیت مرزی باشد (اولر^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۱؛ کیویتی^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۱). برخی از پژوهش‌ها اگرچه بر روی نمونه‌ای از افراد با شخصیت خوشه B صورت نگرفته، با این حال نشان داده‌اند که عملکرد تاملی با تنظیم هیجان رابطه معناداری را نشان می‌دهد (شلتیس^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۹؛ بورلی^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۱؛ دروگر و همکاران، ۱۳۹۹).

در مجموع می‌توان گفت که اختلال‌های خوشه B از جمله شایع‌ترین اختلال‌های شخصیت است که با افزایش مشکل در روابط بین‌فردی و مختل شدن زندگی روزمره همراه است. ناتوانی در تنظیم هیجان‌ها، به ویژه در بافت روابط بین‌فردی یکی از مشخصه‌های بارز این افراد است. بر همین اساس توجه‌ها به سمت شناسایی متغیرهای مرتبط و تبیین کننده تنظیم هیجان در افراد با رگه‌های اختلال شخصیت خوشه B جلب شده است. امروزه بهبود تنظیم هیجان مرکز درمان‌های روان‌شناختی ارائه شده برای اختلال‌های شخصیت، به ویژه خوشه B است (هین^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۸). بر همین اساس نیاز به شناسایی متغیرهای مرتبط و تبیین کننده تنظیم هیجان در افراد با رگه‌های اختلال شخصیت خوشه B به یک اولویت و ضرورت تبدیل شده است و تا حدودی پژوهش‌ها در این جهت اقدام کرده‌اند (اولر^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۱). با توجه به اینکه ناتوانی در تنظیم هیجان بیشتر در وظایف و موقعیت‌های بین‌فردی در افراد با اختلال شخصیت خوشه B رخ می‌دهد، بنابراین می‌توان احتمال داد که این آسیب ریشه در آسیب‌های اولیه از روابط بین‌فردی باشد. در همین رابطه دلبستگی و عملکرد تاملی دو سازه مرتبط با کیفیت روابط اولیه است و پژوهش‌ها اگر چه حاکی از رابطه آنها با تنظیم هیجان بوده، با این حال این رابطه در افراد با رگه‌های اختلال شخصیت خوشه B مورد توجه قرار نگرفته است. در همین راستا هدف پژوهش حاضر پیش بینی تنظیم هیجانی افراد دارای رگه‌های اختلال شخصیت خوشه B براساس سبک‌های دلبستگی و عملکرد تاملی بود.

1 Read

2 Guzmán-González

3 Brandão

4 Lewczuk

5 reflective functioning

6 Cavallina

7 Badoud

8 Vismara

9 Nazzaro

10 Euler

11 Kivity

12 Schultheis

13 Borelli

14 Haeyen

15 Euler

روش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بود که از خوشه B پرسشنامه میلون ۳ (میلون، ۱۹۹۴) نمره بین بین ۶۰ الی ۸۰ کسب کردند. حجم نمونه با توجه به فرمول پیشنهادی تاباچینگ^۱ و همکاران (۲۰۰۷) برای پژوهش‌های همبستگی مبنی بر ۸ برابر تعداد متغیرهای پیش بین بعلاوه ۵۰ (حجم نمونه = $m+50$ (تعداد متغیرهای پیش بین) $\times 8$) ۹۰ نفر برآورد شد، اما با توجه به امکان ریزش نمونه و همچنین جهت بالا بردن تعمیم‌پذیری نتایج یافته‌ها حجم نمونه ۱۲۰ نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری پژوهش به صورت هدفمند و پاسخگویی برخط بود. افراد پاسخ‌دهنده متشکل از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و فعال در کانال‌ها و گروه‌های اجتماعی پیام‌رسان تلگرام و واتساپ بود که لینک پاسخگویی در دسترس آنها قرار گرفت. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت خواهند بود از: رضایت از شرکت در پژوهش، دامنه سنی ۱۸ تا ۴۵ سال، عدم ابتلا به بیماری روانی تشخیص‌گذاری شده توسط روان‌شناس یا روان‌پزشک (طبق اظهارنظر شرکت کنندگان در پژوهش و آزمون میلون) و کسب نمره بین ۶۰ الی ۸۰ در آزمون میلون. همچنین ملاک‌های خروج از پژوهش عبارت خواهند بود از: عدم پاسخگویی به ۵ درصد سوالات پرسشنامه‌ها و درخواست انصراف از پژوهش حین پاسخگویی به پرسشنامه‌ها. برای دستیابی به حجم نمونه ۱۲۰ نفری، تعداد ۳۱۲ نفر بر اساس پرسشنامه میلون غربال شدند. با توجه به اینکه نمره بین ۶۰ الی ۸۰ در آزمون میلون حاکی از رگه‌های اختلال شخصیت بود، بنابراین کسب نمره در این دامنه ملاک غربال و ورود به پژوهش بود. رضایت از شرکت در پژوهش، محرمانه نگه داشتن اطلاعات شرکت‌کنندگان در پژوهش و امکان خروج از پژوهش حین پاسخگویی به پرسشنامه‌های پژوهش از جمله ملاحظه‌های اخلاقی پژوهش بود. برای تحلیل داده‌ها علاوه بر آزمون همبستگی پیرسون، از آزمون رگرسیون چندگانه به روش ورود همزمان استفاده شد. تمامی تحلیل‌ها از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ صورت خواهد گرفت.

ابزار سنجش

سیاهه سبک‌های دلبستگی (AAI)^۲: این سیاهه توسط سیمپسون^۳ (۱۹۹۰) ساخته شده است و شامل ۱۳ جمله در مقیاس لیکرتی است که آزمودنی در پاسخ به هر سوال باید یکی از گزینه‌های طیف ۵ درجه‌ای (از کاملاً موافق = ۵ تا کاملاً مخالف = ۱) را انتخاب کند. از این ۱۳ جمله، ۵ جمله برای ارزیابی سبک دلبستگی ایمن (گویه‌های ۱ تا ۵) و ۸ گویه برای دلبستگی نایمن اجتنابی و اضطرابی (گویه‌های ۶ تا ۱۳) در نظر گرفته شده‌اند. سیمپسون (۱۹۹۰) به منظور بررسی روایی این پرسشنامه از مقیاس عشق و مقیاس وابستگی استفاده کرد. همبستگی بین مقیاس عشق با سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرای اضطرابی به ترتیب ۰/۲۲، ۰/۲۲- و ۰/۱۲- بود ($P < 0/05$). همبستگی بین مقیاس وابستگی با سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرای اضطرابی به ترتیب ۰/۲۶، ۰/۲۸ و ۰/۱۲- به دست آمد ($P < 0/05$). همچنین پایایی خرده مقیاس‌ها بالای ۰/۷۱ گزارش شده بود. عطاری و همکاران (۱۳۸۵) برای بررسی روایی این آزمون از سه سوال محقق ساخته استفاده نمودند که همبستگی برای این سه سوال با سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی به ترتیب ۰/۵۹، ۰/۵۴ و ۰/۲۴- به دست آمد ($P < 0/01$). همچنین این نویسندگان پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی در فاصله‌های زمانی یک هفته تا دو سال حدوداً ۰/۷۰ برآورد کردند. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ دلبستگی ایمن ۰/۹۶، و دلبستگی نایمن اضطرابی ۰/۷۲ و دلبستگی نایمن اجتنابی ۰/۷۴ بدست آمد.

سیاهه چندمحوری بالینی میلون (MCM-III)^۴: یک سیاهه خودسنجی استاندارد است که توسط میلون (۱۹۹۴) ساخته شده و به صورت پاسخ بلی و خیر دامنه گسترده‌ای از اطلاعات مربوط به شخصیت، سازگاری هیجانی و نگرش مراجعان به آزمون را مورد سنجش قرار می‌دهد. این پرسشنامه برای بزرگسالان هیجده سال و بالاتر که حداقل توانایی خواندن آنان تا سطح هشتم است، طراحی گردیده است. نسخه اصلی پرسشنامه میلون برای اولین بار در سال ۱۹۷۷ تدوین گردید و از آن زمان تا اکنون دو بار مورد تجدید نظر قرار گرفته است. نسخه فعلی آن یعنی MCM-III، شامل ۱۷۵ ماده است و تحت ۲۸ مقیاس جداگانه و بر مبنای طبقه بندی زیر نمره‌گذاری می‌گردد: ۱- شاخصهای تغییر پذیری، ۲- الگوهای بالینی شخصیت، ۳- آسیب شناسی شدید شخصیت، ۴- نشانگان بالینی و نشانگان

1 Tabachnick

2 Adult Attachment Inventory (AAI)

3 Simpson

4 Millon Clinical Multiaxial Inventory (MCM-III)

شدید. شایان ذکر است که این مقیاس‌ها به همراه ماده‌های تشکیل‌دهنده آنها با نظریه شخصیت میلون همخوانی دارند. زمانی که در مقیاس‌های بالینی نمرات شخص آزمودنی از نمره‌ی ۸۵ بالاتر است امکان ابتلای وی به برخی از اختلالات روانپزشکی وجود دارد. همچنین اگر نمرات آزمودنی در برخی از مقیاس‌ها بین ۶۰ الی ۸۰ باشد می‌توان گفت که وی برخی از علائم مربوط به اختلالات روانپزشکی که آن مقیاس بالینی می‌سنجد را دارد. میلون (۱۹۹۴) پایایی بازآزمایی این آزمون را با فاصله یک ماه ۰/۸۲ تا ۰/۹۰ گزارش داده است. چگینی و همکاران (۱۳۹۲) ویژگی‌های روان‌سنجی این سیاهه را در جمعیت ایرانی بررسی کرده‌اند. تحلیل داده‌ها نشان داد که پایایی این سیاهه به روش بازآزمایی با فاصله دو هفته در گروه بیمار ۰/۶۱ تا ۰/۷۹ و در گروه غیربیمار ۰/۷۹ تا ۰/۹۷ بود. برای بررسی روایی سازه سیاهه از تحلیل عوامل با استفاده از روش اصلی استفاده شد که مقدار KMO برابر با ۰/۷۷ بدست آمد و آزمون بارلت نیز در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. همچنین عامل‌های شناسایی شده پرسشنامه ۷۲/۶۰ از کل واریانس را تبیین می‌کردند. شاخص روایی تشخیصی سیاهه نیز نشان داد که توان پیش‌بینی مثبت مقیاس‌های شخصیتی بین ۰/۱۳ تا ۰/۴۷، مقیاس‌های بالینی بین ۰/۳۳ تا ۰/۷۸، توان پیش‌بینی منفی آزمون ۰/۹۱ تا ۰/۹۹ و توان تشخیص کل ۰/۷۷ تا ۰/۹۷ قرار دارد.

پرسشنامه عملکرد تاملی (RFQ): پرسشنامه عملکرد تاملی (فوناگی و همکاران، ۲۰۱۶) یک مقیاس خود گزارشی و شامل ۸ گویه است. همه موارد توسط شرکت‌کنندگان در مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند که از «کاملاً مخالفم = ۱» تا «کاملاً موافقم = ۷» است. نمره‌گذاری گویه هفتم به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌گردد. این پرسشنامه، عملکرد تاملی را در دو بعد اندازه‌گیری می‌کند: قطعیت و عدم قطعیت درباره حالات ذهنی. سازندگان آزمون، روایی محتوایی پرسشنامه را ۰/۷۴ گزارش دادند و مقدار پایایی آزمون را به روش بازآزمایی برای خرده مقیاس قطعیت ۰/۸۵ و برای خرده مقیاس عدم قطعیت ۰/۷۴ بدست آوردند (فوناگی و همکاران، ۲۰۱۶). این پرسشنامه در ایران توسط موسوی و همکاران (۲۰۲۱) هنجاریابی شده است. این پژوهشگران پایایی عامل عدم قطعیت را با روش آلفای کرونباخ ۰/۶۲ و عامل قطعیت را ۰/۷۱ گزارش دادند. روایی محتوایی آن را ۰/۶۲ و روایی عامل عدم قطعیت ($r = -0.56$ و $p = 0.01$) و عدم قطعیت ($r = 0.51$ و $p = 0.01$) را با پرسشنامه ناگویی هیجانی مطلوب گزارش داده‌اند. در پژوهش دیگر نیز اسدی و همکاران (۱۴۰۱) مقدار آلفای کرونباخ پرسشنامه را ۰/۷۸ گزارش دادند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ عامل عدم قطعیت ۰/۷۱ و قطعیت ۰/۷۴ بدست آمد.

پرسشنامه تنظیم هیجان (ERQ): این پرسشنامه توسط گروس و جان^۳ (۲۰۰۳) ساخته شده و دارای ۱۰ گویه و دو خرده مقیاس است که عبارتند از: الف) سرکوبی هیجانی (ب) ارزیابی مجدد هیجانی. آزمودنی به هر گویه این مقیاس بر اساس مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت از (از کاملاً موافق = ۱ تا کاملاً مخالف = ۷) پاسخ می‌دهد. سازندگان آزمون مقدار آلفای کرونباخ عامل ارزیابی مجدد هیجانی را در چهار نمونه مختلف بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۲ گزارش دادند و برای سرکوبی هیجانی ۰/۶۸ تا ۰/۷۶ گزارش دادند. همچنین سازندگان روایی تمیز معناداری برای این پرسشنامه بر اساس پنج عامل بزرگ شخصیت با دامنه ضریب ۰/۱۱ تا ۰/۴۱ گزارش دادند. همچنین سازندگان روایی همگرایی معناداری با پرسشنامه موفقیت تنظیم هیجان درک شده میان با خرده مقیاس سرکوب هیجان ($r = 0.18$ و $P = 0.05$) و ارزیابی مجدد هیجانی ($r = 0.20$ و $P = 0.05$) گزارش دادند (گروس و جان، ۲۰۰۳). غدیری و همکاران (۱۳۹۸) در نمونه‌ای از دانشجویان مقدار آلفای کرونباخ را برای ارزیابی مجدد شناختی ۰/۷۲ و برای سرکوب هیجانی ۰/۶۵ گزارش دادند. در تایید روایی سازه پرسشنامه، حسنی (۲۰۱۶) همبستگی هر دو خرده مقیاس پرسشنامه را با معیارهای مرتبط با عاطفه (عاطفه منفی، افسردگی و اضطراب) از مقدار ۰/۳۶ تا ۰/۷۴ معنادار گزارش کرد. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ عامل سرکوبی هیجانی ۰/۷۶ و ارزیابی مجدد هیجانی ۰/۷۵ و نمره کل آن ۰/۷۸ بدست آمد.

یافته‌ها

از ۱۲۰ شرکت‌کننده در پژوهش ۷۶ نفر زن (۶۳/۳۰ درصد) و ۴۴ نفر (۳۶/۷۰) مرد بودند. همچنین بیشترین طبقه سطح تحصیلات برای کارشناسی با فراوانی ۶۷ (۵۵/۹۰ درصد)، ۴۹ نفر تحصیلات کارشناسی ارشد (۴۰/۸۰ درصد) و ۴ نفر نیز تحصیلات دکتری (۳/۳۰ درصد) داشتند. همچنین میانگین سنی شرکت‌کنندگان در پژوهش میانگین سنی شرکت‌کنندگان در پژوهش ۳۰/۸۲ ± ۵/۷۴ با دامنه

1 reflective functioning questionnaire (RFQ)

2 emotion regulation questionnaire (ERQ)

3 Gross & John

پیش بینی تنظیم هیجانی افراد دارای رگه های اختلال شخصیت خوشه B براساس سبک های دلبستگی و عملکرد تاملی
Predicting the emotional regulation of people with cluster B personality disorder traits based on attachment styles ...

سنی ۱۸ تا ۴۰ سال بود. در جدول ۱ شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش به همراه ضرایب آزمون همبستگی پیرسون آنها ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون همبستگی پیرسون و شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
سبک	۱					
دلبستگی	۱-ایمن	۰/۰۵-	۰/۷۶**	۱		
	۲-اجتنابی	۰/۰۳	۰/۱۶-	۰/۱۸*		
	۳-اضطرابی	۰/۰۳	۰/۱۶-	۰/۰۹	۰/۲۱*	
عملکرد تاملی	۴-قطعیت	۰/۱۱-	۰/۲۲*	۰/۰۹	۰/۲۱*	
	۵-عدم قطعیت	۰/۳۰**	۰/۳۳**	۰/۲۱*	۰/۲۱*	
۶-تنظیم هیجان						
میانگین	۱۵/۳۲	۱۱/۴۲	۱۳/۳۶	۵/۶۵	۴/۲۷	۴۲/۰۷
انحراف معیار	۳/۱۴	۲/۰۷	۳/۶۹	۴/۲۴	۳/۵۶	۵/۷۹
کجی	۰/۴۹-	۰/۲۹	۰/۳۰-	۰/۶۵	۰/۸۵	۰/۵۶
کشیدگی	۰/۱۴	۰/۳۳-	۰/۶۷-	۰/۱۴	۰/۰۲-	۱/۳۵

$P < 0.05 = *$ و $P < 0.01 = **$

نتایج آزمون همبستگی در جدول ۱ نشان داد که تنظیم هیجان با دلبستگی ایمن ($r = 0.30$ و $P = 0.01$) رابطه مثبت و معناداری دارد. و با سبک دلبستگی اجتنابی ($r = -0.33$ و $P = 0.01$) و اضطرابی ($r = -0.21$ و $P = 0.05$) رابطه منفی و معناداری دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین بعد عدم قطعیت عملکرد تاملی و تنظیم هیجان در افراد دارای رگه های اختلال شخصیت خوشه B رابطه منفی معناداری وجود دارد ($r = -0.21$ و $P = 0.05$) ولی رابطه معناداری برای بعد قطعیت مشاهده نشد ($r = 0.09$ و $P > 0.05$)

نتایج شاخص های کجی و کشیدگی ارائه شده در جدول ۱ برای متغیرهای پژوهش، همگی بین ۲+ تا ۲- قرار دارد که حاکی از این است که توزیع متغیرها در شرایط نرمالی قرار دارد. یکی دیگر از پیش فرض های مورد نیاز برای تحلیل رگرسیون عدم هم خطی میان متغیرهای پیش بین پژوهش است که با استفاده از آماره تحمل و آماره تورم واریانس بررسی می شود. نتایج بیانگر این بود که مقدار آماره تحمل متغیرهای پیش بین پژوهش بین مقادیر ۰/۴۱ تا ۰/۹۷ و مقادیر آماره تورم واریانس نیز بین ۱/۰۲ تا ۱/۶۴ قرار است که حاکی از عدم هم خطی نگران کننده بین متغیرهای پژوهش بود. همچنین مقدار بدست آمده برای دوربین - واتسون ۲/۱۰ بود که حاکی از استقلال خطاها بود. همچنین بررسی نمودار پراکنش متغیرهای پیش بینی با متغیر ملاک حاکی از رعایت شدن پیش فرض خطی بودن متغیرها بود. در جدول ۲ نتایج آزمون آنوا جهت بررسی معناداری مدل رگرسیونی پژوهش به همراه ضرایب چندگانه مدل رگرسیونی پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج ضرایب رگرسیون چندگانه و بررسی معناداری مدل پیش بینی تنظیم هیجان در افراد دارای رگه های اختلال شخصیت خوشه B بر اساس سبک های دلبستگی و عملکرد تاملی بر اساس آزمون آنوا

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	R	R ²	R ² adj	P
رگرسیون	۹۱۷/۸۳	۵	۱۸۳/۵۷	۶/۵۸	۰/۴۷	۰/۲۲	۰/۱۹	۰/۰۰۱
باقیمانده	۳۱۸۱/۶۳	۱۱۴	۲۷/۹۱					
کل	۴۰۹۹/۴۷	۱۱۹						

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود مدل رگرسیونی پژوهش معنادار است ($P = 0.01$) و مقدار همبستگی چندگانه متغیرهای پیش بین با متغیر ملاک برابر با ۰/۴۷ است و متغیرهای استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی به همراه سبک های دفاعی قادر به پیش بینی ۰/۱۹ از واریانس متغیر تنظیم هیجان در افراد دارای رگه های اختلال شخصیت خوشه B هستند. در جدول ۳ معناداری ضرایب متغیرهای پیش بین مدل رگرسیونی پژوهش در پیش بینی تنظیم هیجان با استفاده از آزمون t ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج پیش‌بینی تنظیم هیجان براساس سبک‌های دلبستگی و عملکرد تاملی

متغیر	B	β	t	مقدار P
مقدار ثابت	۴۷/۰۱		۱۱/۶۸	۰/۰۰۱
عملکرد تاملی				
قطعییت	-۰/۲۵	-۰/۱۸	-۱/۷۶	۰/۰۸
عدم قطعییت	-۰/۳۷	-۰/۲۳	-۲/۱۴	۰/۰۳
سبک دلبستگی				
ایمن	۰/۵۰	۰/۲۷	۳/۲۰	۰/۰۰۲
اجتنابی	-۰/۸۹	-۰/۳۱	-۲/۴۴	۰/۰۲
اضطرابی	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۲۲	۰/۸۲

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بعد عدم قطعییت عملکرد تاملی ($\beta = -0.23$ و $P = 0.03$) به همراه سبک دلبستگی ایمن ($P = 0.002$) و اجتنابی ($\beta = -0.31$ و $P = 0.02$) پیش‌بینی کننده تنظیم هیجان هستند ولی سبک دلبستگی اضطرابی ($\beta = 0.03$ و $P = 0.82$) و بعد قطعییت متغیر عملکرد تاملی ($\beta = -0.18$ و $P = 0.08$) پیش‌بینی کننده معناداری برای تنظیم هیجان در افراد دارای رگه‌های اختلال شخصیت خوشه B نبودند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی تنظیم هیجانی افراد دارای رگه‌های اختلال شخصیت خوشه B براساس سبک‌های دلبستگی و عملکرد تاملی بود. نتایج بدست آمده از آزمون همبستگی نشان داد که تنظیم هیجان با دلبستگی ایمن رابطه مثبت و با سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی رابطه منفی و معناداری دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های امیری و جمالی (۱۳۹۸)، سهرابی و همکاران (۱۳۹۹)، لوسزوک و همکاران (۲۰۲۱)، رید و همکاران (۲۰۱۸) و گوزمن - گونزالز و همکاران (۲۰۱۶) همسو بود. در تبیین نتایج بدست آمده می‌توان به اهمیت هیجان‌ها و تنظیم هیجانی در نیازها توجه کرد. به عبارتی ابراز و آشکار شدن سازگار هیجان‌ها تا حدودی ریشه در تلاش فرد برای ابراز و ارضای نیازهای شخصی دارد. در رابطه با اختلال شخصیت خوشه B نیز نشان داده شده که کارکرد ناسازگار نیازها، مانند نیاز به دیده شدن و تایید گرفتن منجر به ناتوانی در تنظیم هیجانی و عملکرد تکانشی می‌شود (بورگس و ناوگل^۱، ۲۰۱۷). با توجه به اینکه دلبستگی ایمن دیگران را به صورت پاسخگو و حمایت کننده درک می‌کند و با اطمینان به آنها از نیازهای شخصی‌اش صحت می‌کند، بنابراین می‌توان انتظار داشت که دلبستگی ایمن با تنظیم هیجانی که همراه با ابراز هیجانی است، همراه گردد. در مقابل دلبستگی اجتنابی منکر اهمیت دیگران در ارضای نیازهای فردی و تعامل با آنها می‌شود و بیش از حد متکی بر استقلال شخصی است (میکولینسر و شاور، ۲۰۱۹). بنابراین می‌توان انتظار داشت که در روابط، این افراد بر بازداری و جلوگیری از ابراز هیجان‌ها تمرکز داشته باشند، چرا که دیگران را غیرپاسخگو و بی‌اهمیت قلمداد می‌کند. دلبستگی اضطرابی نیز با ترس از دست دادن حمایت دیگران مشخص می‌شود. می‌توان این احتمال را داد که ترس از دست دادن حمایت دیگران مانع از ابراز نیازها و تلاش در جهت سرکوب آنها گردد. در نتیجه دلبستگی اضطرابی احتمالاً برای اینکه حمایت دیگران را از دست ندهد، به نادیده گرفتن نیازها و هیجان‌های شخصی خود می‌پردازد. علاوه بر این نتایج نشان داد که سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی پیش‌بینی کننده معنادار تنظیم هیجان هستند و دلبستگی اضطرابی نقش معناداری در پیش‌بینی تنظیم هیجان ندارد. در باب این یافته و عدم معناداری نقش دلبستگی اضطرابی می‌توان این مورد را اشاره کرد که پرسشنامه مورد استفاده در پژوهش حاضر بر ابراز و سرکوب هیجانی متمرکز بوده است. به عبارتی شکل‌های تنظیم هیجانی مانند نشخوار و سرزنش‌گری خود و دیگران که بیشتر با دلبستگی اضطرابی در ارتباط هستند (کالکینس و لیکرس^۲، ۲۰۱۴)، در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. بنابراین محدودیت پرسشنامه مورد استفاده در سنجش راهبردهای متنوع تنظیم هیجانی احتمالاً با عدم معناداری نقش دلبستگی اضطرابی موبوط باشد. این درحالی است که دلبستگی ایمن و اجتنابی ارتباط معنادار قوی با سرکوب و ابراز هیجانی دارد (گاریسون^۳ و همکاران، ۲۰۱۴). در تبیین نقش دلبستگی ایمن و اجتنابی در پیش‌بینی تنظیم هیجان نیز می‌توان به نقش دلبستگی در خواسته‌های موقعیتی و

1 Borges & Naugle

2 Calkins & Leerkes

3 Garrison

پیش بینی تنظیم هیجانی افراد دارای رگه های اختلال شخصیت خوشه B براساس سبک های دلبستگی و عملکرد تاملی
Predicting the emotional regulation of people with cluster B personality disorder traits based on attachment styles ...

اهداف عاطفی اشاره کرد (بارون و لایونتی^۱، ۲۰۱۴). به عبارتی دلبستگی ایمن در موقعیت های تعاملی و عاطفی بر نزدیکی و ابرازگری در جهت ارضای نیازهای روانی و هیجانی تاکید دارد و در مقابل دلبستگی اجتنابی بر دوری کردن، جلوگیری از ابراز نیازهای روانی و هیجانی تاکید دارد. بر همین اساس می توان استدلال کرد که دلبستگی ایمن مبتنی بر نیازها و خواسته های موقعیتی و هیجانی تسهیل کننده سبکی از تنظیم هیجان است که ابرازگری و ارزیابی هیجانی را تسهیل می کند و در مقابل دلبستگی اجتنابی یک سبک مبتنی بر سرکوبی بدون ارزیابی هیجانی که شامل عدم در نظر گرفتن خواسته های و نیازهای هیجانی و روانی فرد باشد را تسهیل می کند.

همچنین نتایج نشان داد که بعد عدم قطعیت عملکرد تاملی با تنظیم هیجان در افراد با رگه های اختلال شخصیت خوشه B رابطه منفی معناداری وجود دارد و پیش بینی کننده معنادار آن است، ولی رابطه معناداری برای بعد قطعیت مشاهده نشد. این یافته پژوهش همسو با یافته پژوهش های دروگر و همکاران (۱۳۹۹)، شلتیس و همکاران (۲۰۱۹)، چیسا و فوناگی^۲ (۲۰۱۴) و بورگس و نائوگل (۲۰۱۷) بود. در تبیین رابطه بعد عدم قطعیت با تنظیم هیجان، می توان به این مورد توجه کرد که افراد با رگه های شخصیت خوشه B درگیر هیجان های شدید، ناپایدار و رفتارهای تکانشی هستند. به عبارتی این افراد در یک حالت عدم اطمینان و عدم قطعیت به سر می برند که منجر به اقدامات غیرمنطقی و خارج از کنترل می شوند. عدم قطعیت به معنای این است که فرد نسبت به عقاید و وضعیت درونی خود و همچنین روابط بیرونی و دیدگاه های دیگران آگاهی و اطمینان چندان روشنی ندارد (بنبسات^۳، ۲۰۲۰). بر همین اساس می توان این احتمال دارد که عدم اطمینان و آگاهی احتمالا منجر به این شود که افراد با رگه های اختلال شخصیت خوشه B نتوانند به صورت سازگار و مثبت تنظیم هیجان را انجام دهند و به جای ابراز سازگار آن به سرکوب و جلوگیری از ابراز آنها متمایل شوند. حالت عدم اطمینان و قطعیت از خود و رویدادهای بیرونی به عنوان یک حالت فعال کننده سیستم تدافعی است که افراد را از ابراز نیازها و هیجان باز می دارد (دل پوپلو کریستالدی^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). این امر از آن جهت است که ابرازگری را فرصتی برای اقدام متقابل محیط بیرونی و ایجاد تهدید در نظری می گیرند (شیهات^۵ و همکاران، ۲۰۱۶). بر همین اساس می توان گفت که احتمالا در حالت عدم قطعیت میل به سرکوبی هیجانی و عدم ابراز هیجانی احتمالا تلاشی برای کاهش میزان و نرخ خطر است. علاوه بر این باید توجه کرد که رشد عدم قطعیت ریشه در ناملایمات و محرومیت های ناشی از روابط بین فردی مهم دارد که منجر به رشد بی اعتمادی و اجتناب از حالات ذهنی می شود (فوناگی و همکاران، ۲۰۱۹). بر همین اساس می توان این استدلال را مطرح کرد که محرومیت ها و ناملایمات در تجارب بین فردی که منجر به رشد عدم قطعیت شده است، افراد با رگه های اختلال شخصیت خوشه B را به سمت عدم ابراز و سرکوب هیجان ها سوق می دهد. تصدیق حالات روانی فرد، واقعیتی را ایجاد می کند که در آن می توان خود و دیگران را درک کرد و حالات روانی را تصدیق و ابراز کرد. با برقراری ارتباط با افراد دیگر، به جای طرد شدن، توانایی کنترل هیجان ها و تجربیات خود و دیگران کسب می شود (بنبسات، ۲۰۲۰). بنابراین می توان گفت عدم قطعیت با توجه به اینکه همراه با عدم ادراک توانایی برای کنترل شرایط و همچنین درک حالات ذهنی خود و دیگران است، احتمالا با کاهش میل به تنظیم هیجان برای ابراز هیجان ها و افزایش تمایل به تنظیم هیجان به صورت سرکوب هیجانی می گردد. نتایج بدست آمده نشان می دهد که فقط بعد عدم قطعیت عملکرد تاملی پیش بینی کننده معنادار تنظیم هیجان است. این امر شاید از آن جهت باشد که مشخصه آسیب پذیر روان شناختی افراد با اختلال های شخصیت خوشه B در تنظیم هیجان، بیشتر متاثر از آشفتگی و ابهام و ناتوانی از ادراک یک خودسازمان یافته باشد. این در حالی است که دو خوشه دیگر اختلال های شخصیت بیشتر درگیر اطمینان کاذب و اقدام های خشک و غیرمنعطف است (بورگس و نائوگل، ۲۰۱۷). بر همین اساس می توان این استدلال را پذیرفت که مولفه عدم قطعیت که نشان دهنده ناتوانی در نظر گرفتن پیچیدگی حالات روانی زیربنایی در خود و دیگران، با گرایش به احساس عدم اطمینان (فوناگی و همکاران، ۲۰۱۹)، پیش بینی کننده معناداری برای تنظیم هیجان در افراد با رگه های اختلال شخصیت خوشه B باشد.

در مجموع نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر نشان داد که بعد عدم قطعیت متغیر عملکرد تاملی و سبک های دلبستگی ایمن و اجتنابی، علاوه بر رابطه معناداری که با تنظیم هیجان داشتند، همچنین پیش بینی کننده معناداری برای تنظیم هیجان در افراد با رگه های اختلال شخصیت خوشه B بوده است. برپایه نتایج بدست آمده می توان گفت که روان شناسان و متخصصان حوزه اختلال های شخصیت می تواند در جلسات ارزیابی و مداخله خود برای افراد با اختلال های شخصیت خوشه B به نقش دلبستگی و عملکرد تاملی به عنوان عامل های مرتبط با مشکلات هیجانی این افراد توجه نمایند.

1 Barone & Lionetti
2 Chiesa & Fonagy
3 Benbassat
4 Del Popolo Cristaldi
5 Shihata

با توجه به اینکه اکثریت افراد در غربالگری رگه‌های اختلال شخصیت خوشه B زنان بودند، بنابراین در تعمیم نتایج بدست آمده به مردان محدودیت وجود دارد. همچنین شرکت کنندگان در پژوهش افراد با تحصیلات تکمیلی بودند، بنابراین در تعمیم نتایج بدست آمده به جمعیت کم‌سواد و یا بی‌سواد محدودیت وجود دارد. با توجه به استفاده از نمونه‌گیری هدفمند در پژوهش حاضر، عدم استفاده از نمونه‌گیری تصادفی مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر بود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های مشابه آتی نمونه‌هایی از مردان مورد بررسی قرار گیرد تا قدرت تعمیم‌پذیری نتایج بدست آمده برای مردان نیز بررسی گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابه برای دیگر گروه‌های رگه‌های اختلال شخصیت نیز مورد اجرا گردد. از لحاظ کاربردی نیز با توجه به نقش معنادار دلبستگی اجتنابی و ایمن در پیش‌بینی تنظیم هیجان در افراد با رگه‌های اختلال شخصیت خوشه B، پیشنهاد می‌شود که به نقش دلبستگی ایمن به عنوان یک عامل محافظ در برابر مشکلات تنظیم هیجانی و نقش دلبستگی اجتنابی به عنوان یک عامل خطر برای مشکلات تنظیم هیجانی در افراد با رگه‌ها اختلال شخصیت خوشه B توجه گردد. همچنین با توجه به اینکه بعد عدم قطعیت متغیر ظرفیت تاملی نقش معناداری در پیش‌بینی تنظیم هیجانی افراد با رگه‌های اختلال شخصیت خوشه B داشت، بنابراین پیشنهاد می‌شود که روان‌شناسان در مداخله و ارزیابی درمانی برای مشکلات تنظیم هیجانی در افراد با رگه‌های اختلال شخصیت خوشه B به نقش متغیر یاد شده توجه کنند.

منابع

- اسدی، س؛ بخشی پور رودسری، ع؛ ابطی، س؛ عقیق، ش. و پاکروان، ه. (۱۴۰۱). رابطه عملکرد تاملی والدین و بد تنظیمی هیجانی نوجوانان: نقش میانجی توانایی ذهنی سازی. *رویش روان‌شناسی*، ۱۱ (۳)، ۲۵-۳۴. [20.1001.1.2383353.1401.11.3.13.4](https://doi.org/10.1001.1.2383353.1401.11.3.13.4)
- امیری، س. و جمالی، ی. (۱۳۹۸). بررسی نقش میانجی‌گری همدلی و تنظیم هیجانی در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی با صفات تاریک شخصیت در نوجوانان. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۲۵ (۳)، ۲۹۲-۳۰۷. [10.32598/ijpcp.25.3.292](https://doi.org/10.32598/ijpcp.25.3.292)
- چگینی، م؛ دلاور، ع. و غزایی، ب. (۱۳۹۲). ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه بالینی چندمحوری میسون - ۳. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۸ (۲۹)، ۱۳۵-۱۶۲. <https://doi.org/10.4278/d3999c77429569a5d998506>
- دروگر، ا؛ فتحی آشتیانی، ع. و اشرفی، ع. (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای ذهنی سازی در رابطه بین دلبستگی و نارسا نظم‌جویی هیجانی با اضطراب اجتماعی. *روانشناسی تحولی، روانشناسان ایرانی*، ۱۷ (۶۶)، ۱۴۳-۱۵۴. <https://doi.org/10.22051/psy.2020.31367.2232>
- سهرابیان، ط؛ غلامرضایی، س. و سپهوندی، م. ع. (۱۳۹۹). رابطه روان‌نجویی و دلبستگی ناایمن با بی‌خوابی: نقش میانجی کمال‌گرایی و تنظیم شناختی هیجان. *مطالعات روانشناختی*، ۱۶ (۴)، ۴۱-۵۷. <http://islamiclife.com/article-1-611-fa.html>
- غدیری، ف؛ عبدالمحمدی، ک. و سلیمانی، ا. (۱۳۹۸). پیش‌بینی اختلال علائم بدنی (جسمانی سازی) بر اساس سبک‌های دفاعی و تنظیم هیجان در دانشجویان. *رویش روان‌شناسی*، ۸ (۳)، ۲۲۷-۲۳۴. [20.1001.1.2383353.1398.8.3.14.4](http://icssjournal.ir/article-1-477-fa.html)
- فرونش، ف؛ حسینی، ع. و بهرامی، م. (۱۳۹۵). میزان شیوع اختلالات شخصیت و رابطه‌ی آن با سبک‌های دلبستگی در مراجعین به کلینیک‌های روان‌شناختی شهر تهران. *تازه‌های علوم شناختی*، ۱۸ (۲)، ۴۱-۵۲. <http://icssjournal.ir/article-1-477-fa.html>
- Association, American Psychiatric. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders*. American Psychiatric Publishing.
- Badoud, D., Rüfenacht, E., Debbané, M., & Perroud, N. (2018). Mentalization-based treatment for adults with attention-deficit/hyperactivity disorder: a pilot study. *Research in Psychotherapy: Psychopathology, Process, and Outcome*, 21(3), 317-324. [10.4081/ripppo.2018.317](https://doi.org/10.4081/ripppo.2018.317)
- Barone, L., & Lionetti, F. (2012). Attachment and emotional understanding: A study on late-adopted pre-schoolers and their parents. *Child: care, health and development*, 38(5), 690-696. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2214.2011.01296.x>
- Benbassat, N. (2020). Reflective function: A move to the level of concern. *Theory & Psychology*, 30(5), 657-673. <https://doi.org/10.1177/0959354320934>
- Bleidorn, W., Hill, P. L., Back, M. D., Denissen, J. J., Hennecke, M., Hopwood, C. J., ... & Roberts, B. (2019). The policy relevance of personality traits. *American Psychologist*, 74(9), 1056. <https://doi.org/10.1177/00030651156024>
- Bleidorn, W., Hill, P. L., Back, M. D., Denissen, J. J., Hennecke, M., Hopwood, C. J., ... & Roberts, B. (2019). The policy relevance of personality traits. *American Psychologist*, 74(9), 1056. <https://doi.org/10.1037/amp0000503>
- Borelli, J. L., Lai, J., Smiley, P. A., Kerr, M. L., Buttitta, K., Hecht, H. K., & Rasmussen, H. F. (2021). Higher maternal reflective functioning is associated with toddlers' adaptive emotion regulation. *Infant Mental Health Journal*, 42(4), 473-487. <https://doi.org/10.1002/imhj.21904>
- Borges, L. M., & Naugle, A. E. (2017). The role of emotion regulation in predicting personality dimensions. *Personality and Mental Health*, 11(4), 314-334. <https://doi.org/10.1002/pmh.1390>
- Brandão, T., Matias, M., Ferreira, T., Vieira, J., Schulz, M. S., & Matos, P. M. (2020). Attachment, emotion regulation, and well-being in couples: Intrapersonal and interpersonal associations. *Journal of Personality*, 88(4), 748-761. <https://doi.org/10.1111/jopy.12523>
- Calkins, S. D., & Leerkes, E. M. (2014). Early attachment processes and the development of emotional self-regulation. *Handbook of self-regulation: Research, theory, and applications*, 21(2), 324-339. <https://doi.org/10.1080/14616734.2015.1072224>

- Carpenter, R. W., & Trull, T. J. (2013). Components of emotion dysregulation in borderline personality disorder: A review. *Current psychiatry reports*, 15(1), 1-8. <https://doi.org/10.1521/pedi.2017.31.283>.
- Cavallina, C., Pazzagli, C., Ghiglieri, V., & Mazzeschi, C. (2015). Attachment and parental reflective functioning features in ADHD: enhancing the knowledge on parenting characteristics. *Frontiers in psychology*, 6, 1313. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2015.01313>.
- Cherniak, A. D., Mikulincer, M., Shaver, P. R., & Granqvist, P. (2021). Attachment theory and religion. *Current Opinion in Psychology*, 40, 126-130. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2020.08.020>
- Chiesa, M., & Fonagy, P. (2014). Reflective function as a mediator between childhood adversity, personality disorder and symptom distress. *Personality and mental health*, 8(1), 52-66. <https://doi.org/10.1002/pmh.1245>.
- Cristaldi, F. D. P., Buodo, G., Duma, G. M., Sarlo, M., & Mento, G. (2022). Unbalanced functional connectivity at rest affects the ERP correlates of affective prediction in high intolerance of uncertainty individuals: A high density EEG investigation. *International Journal of Psychophysiology*, 178, 22-33. <https://doi.org/10.1016/j.ijpsycho.2022.06.006>.
- Euler, S., Nolte, T., Constantinou, M., Griem, J., Montague, P. R., Fonagy, P., & Personality and Mood Disorders Research Network. (2021). Interpersonal problems in borderline personality disorder: associations with mentalizing, emotion regulation, and impulsiveness. *Journal of Personality Disorders*, 35(2), 177-193. <https://doi.org/10.1521/pedi.2019.33.427>
- Euler, S., Nolte, T., Constantinou, M., Griem, J., Montague, P. R., Fonagy, P., & Personality and Mood Disorders Research Network. (2021). Interpersonal problems in borderline personality disorder: associations with mentalizing, emotion regulation, and impulsiveness. *Journal of Personality Disorders*, 35(2), 177-193. <https://doi.org/10.1521/pedi.2019.33.427>
- Euler, S., Nolte, T., Constantinou, M., Griem, J., Montague, P. R., Fonagy, P., & Personality and Mood Disorders Research Network. (2021). Interpersonal problems in borderline personality disorder: associations with mentalizing, emotion regulation, and impulsiveness. *Journal of Personality Disorders*, 35(2), 177-193. <https://doi.org/10.1521/pedi.2019.33.427>.
- Fonagy, P., Luyten, P., Allison, E., & Campbell, C. (2019). Mentalizing, epistemic trust and the phenomenology of psychotherapy. *Psychopathology*, 52(2), 94-103. <https://doi.org/10.1159/000501526>
- Garofalo, C., Velotti, P., Callea, A., Popolo, R., Salvatore, G., Cavallo, F., & Dimaggio, G. (2018). Emotion dysregulation, impulsivity and personality disorder traits: A community sample study. *Psychiatry Research*, 266, 186-192. <https://doi.org/10.1016/j.psychres.2018.05.067>.
- Garrison, A. M., Kahn, J. H., Miller, S. A., & Sauer, E. M. (2014). Emotional avoidance and rumination as mediators of the relation between adult attachment and emotional disclosure. *Personality and Individual Differences*, 70, 239-245. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2014.07.006>.
- Grenyer, B. F. (2018). Revising the diagnosis of personality disorder: Can it be single, clinical and factorial. *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry*, 52(2), 202-203. <https://doi.org/10.1002/cpp.2126>
- Gross, J. J., & John, O. P. (2003). Individual differences in two emotion regulation processes: Implications for affect, relationships, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85(2), 348-362. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.85.2.348>
- Guzmán-González, M., Lafontaine, M. F., & Levesque, C. (2016). Romantic attachment and physical intimate partner violence perpetration in a Chilean sample: The mediating role of emotion regulation difficulties. *Violence and victims*, 31(5), 854-868. [10.1891/0886-6708.VV-D-14-00114](https://doi.org/10.1891/0886-6708.VV-D-14-00114).
- Haeyen, S., Kleijberg, M., & Hinz, L. (2018). Art therapy for patients diagnosed with personality disorders cluster B/C: A thematic analysis of emotion regulation from patient and art therapist perspectives. *International Journal of Art Therapy*, 23(4), 156-168. <https://doi.org/10.1080/17454832.2017.1406966>.
- Hasani, J. (2016). Persian Version of the emotion regulation questionnaire: factor structure, reliability and validity. *International Journal of Behavioral Sciences*, 10(3), 108-113. <https://doi.org/10.1111/jmft.12492>
- Kivity, Y., Levy, K. N., Kelly, K. M., & Clarkin, J. F. (2021). In-session reflective functioning in psychotherapies for borderline personality disorder: The emotion regulatory role of reflective functioning. *Journal of consulting and clinical psychology*, 89(9), 751. [10.1002/cpp.2126](https://doi.org/10.1002/cpp.2126).
- Kramer, U., & Timulak, L. (2022). The emotional underpinnings of personality pathology: Implications for psychotherapy. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 29(3), 275-286. <https://doi.org/10.1037/cps0000080>
- Lewczuk, K., Kobylńska, D., Marchlewska, M., Krysztofiak, M., Glica, A., & Moiseeva, V. (2021). Adult attachment and health symptoms: The mediating role of emotion regulation difficulties. *Current Psychology*, 40(4), 1720-1733. <https://doi.org/10.1007/s12144-018-0097-z>
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2016). *Attachment in Adulthood: Structure, Dynamics, and Change*, edn 2. New York: Guilford Press.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2019). Attachment orientations and emotion regulation. *Current Opinion in Psychology*, 25, 6-10. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2018.02.006>
- Millon, T., & Davis, R.D. (1994). Millon, s Evolutionary Model of Normal and Abnormal Personalities: Theory and Measures, In S. Strack & M. Lorr (Eds.), *Differentiating Normal and Abnormal Personality*, 79-113, New York: Springer Publishing.
- Mischel, W. (2013). *Personality and assessment*. Psychology Press.
- Nazzaro, M. P., Boldrini, T., Tanzilli, A., Muzi, L., Giovanardi, G., & Lingiardi, V. (2017). Does reflective functioning mediate the relationship between attachment and personality?. *Psychiatry Research*, 256, 169-175. <https://doi.org/10.1016/j.psychres.2017.06.045>.
- Newhill, C. E., Yuan, Y., Wojtalik, J., & Eack, S. (2021). A Transdiagnostic Comparison of Emotion Dysregulation in Schizophrenia and Cluster B Personality Disorders. *Journal of the Society for Social Work and Research*, 12(1), 155-175. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2017.09.002>.
- Read, D. L., Clark, G. I., Rock, A. J., & Coventry, W. L. (2018). Adult attachment and social anxiety: The mediating role of emotion regulation strategies. *PLoS one*, 13(12), e0207514. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0207514>
- Schultheis, A. M., Mayes, L. C., & Rutherford, H. J. (2019). Associations between emotion regulation and parental reflective functioning. *Journal of child and family studies*, 28(4), 1094-1104. <https://doi.org/10.1007/s10826-018-01326-z>.
- Seyed Mousavi, P. S., Vahidi, E., Ghanbari, S., Khoshroo, S., & Sakkaki, S. Z. (2021). Reflective Functioning Questionnaire (RFQ): Psychometric properties of the Persian translation and exploration of its mediating role in the relationship between attachment to parents and internalizing and externalizing problems in adolescents. *Journal of Infant, Child, and Adolescent Psychotherapy*, 20(3), 313-330. <https://doi.org/10.1080/15289168.2021.1945721>.
- Shihata, S., McEvoy, P. M., Mullan, B. A., & Carleton, R. N. (2016). Intolerance of uncertainty in emotional disorders: What uncertainties remain?. *Journal of anxiety disorders*, 41, 115-124. <https://doi.org/10.1016/j.janxdis.2016.05.001>
- Vismara, L., Sechi, C., & Lucarelli, L. (2021). Reflective function in first-time mothers and fathers: Association with infant temperament and parenting stress. *European Journal of Trauma & Dissociation*, 5(1), 100147. <https://doi.org/10.1016/j.ejtd.2020.100147>.